

# گلشن

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

سه شنبه ۹ تیر ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هفتم / شماره ۸ / ۲۲۰۱ / صفحه ۲۵۰۰ / تومان

## تابلوساز علی پور

مجری انواع تابلوهای تبلیغاتی...

گرگان، بلوار مدرس، نبش مدرس ۹

تلفن: ۰۹۱۱۵۶۷۱۳۶۹ تماس: ۰۹۱۱۵۶۷۱۳۶۹

هفته هفتم مسابقات اسبدوانی گنبد کاووس  
پایان یافت



۲

۱۳۰ هکتار جنگل، مرتع و ساحل  
به مردم بازگشت



۲

گلستان، قطب طیور کشور با چالش  
تامین مالی و صادرات



۳

### یادداشت اول

## حی علی الاصول

احسان مکتبی

بر اساس آنچه در فضای مجازی فراگیر شده است، چند روز پیش در میان سخنان رییس جمهور شخصی فریاد برمی آورد که حی علی الاصول و البته دکتر پزشکیان هم به فراخور به ایشان پاسخی داده است، اما اینک و اینجا پرسش این است اصول چیست و مینا کدام است؟ آیا در تعریف این اصول انسانها هم جایگاهی دارند؟ آیا شهروندان ایرانی امروز از پس یک سال جنگ و دهها حکایت و داستان که بر آنها گذشت حقی برای بیان دیدگاه و نظر خود دارند؟ آیا براساس اصول، عدالت و برابری در جامعه ما پس از پنج دهه از انقلاب اسلامی شکل گرفته است و یا هنوز نتوانسته ایم عدالت اجتماعی را محقق کنیم؟ آیا براساس اصول مصرح در قانون اساسی توانسته ایم جامعه ای مبتنی بر ایمان و اخلاق سامان دهیم یا هم چنان نگران پرسش ها و شبهه های نسل نو هستیم و توجیه ناتوانی؟ از جانب دیگر در زندگی روزمره شهروندان، آیا توانسته ایم اقتصاد خانوار را مدیریت نماییم یا شهروندان ایرانی هر روز زیر بار فشار سنگین اقتصادی و نابسامانی های آن در تنگنای بیشتری افتاده اند؟ آیا افول ارزش پول ملی و بی اعتباری آن در کنار فقدان رشد اقتصادی هیچگاه جزو اصولی بوده است که باید به آن توجه می کردیم؟ آیا اصلاح بروکراسی رانتینه و گزینش های غیر علمی و ناکارآمد جزو اصولی نیست که باید به آن توجه داشته باشیم؟ در نهایت آیا رضایت شهروندان از حکمرانی نباید جزو اصول ما در اداره امور باشد؟ آیا توانسته ایم جمهوریت را در اداره امور نهادینه نماییم؟ باری باید به اصول بازگشت، باید به استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بازگشت و در این مسیر تنها راه اصلاح اشکالات حکمرانی، توجه به برابری و عدالت و بازگرداندن قدرت به مردم به معنای واقعی کلمه است و الا در جامعه ای که فقر و تبعیض در آن بیداد می کند و شهروندان در تنگنای حداقلی از معیشت دست و پا می زنند صحبت از اصول، طنز تلخی است اگر نگوییم شوخی است.

صاحب امتیاز



روایت یک روز از آینده  
اینچهبرون

« ۸ »



راهکارهای ساده برای مصرف بهینه انرژی  
در خانه

« ۷ »

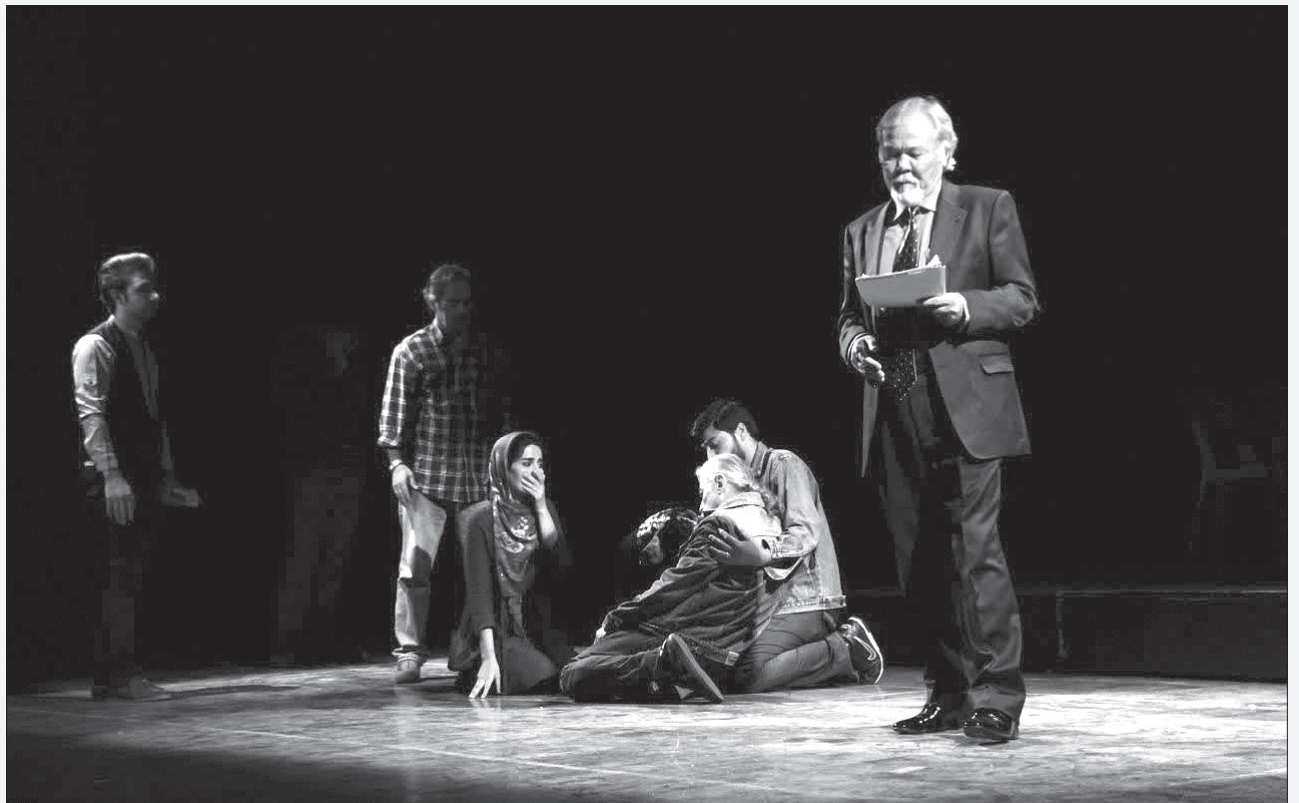


برج قابوس قربانی سوءمدیریت  
و وعده های توخالی

« ۷ »

گفت و گویی با رضایی هنرمند پیشکسوت

# از مدرسه تا سینما



تسهیلاتی را ایجاد کرده بود که یک سانس در هفته، یکی از سینماها را در اختیار خانواده های نظامیان قرار می داد. سینمای گرگان ساعت ۱۳۰ بعد از ظهر روزهای جمعه در اختیار ما بود. آن زمان نه استطاعت این را داشتیم که با خرج خودمان بلیت سینما بخریم و نه اجازه رفتن به تنهایی را به سینما داشتیم؛ اما روزهای جمعه همراه با خانواده به سینما می رفتیم. من سینما را بدین ترتیب شناختم. البته رادیو هم تأثیرگذار بود. آن زمان یک برنامه نمایش رادیویی جنایی به نام جانی دالر به صورت هفتگی پخش می شد که بسیار جذاب بود. به یاد دارم که در تابستانها که روزها بلند بود، همراه با بچه ها به کوچه می آمدیم. آن زمان خیابان گروهان محله به وسعت آموزش نبود.

ادامه در صفحه ۴ و ۵

خلعت کرد. من به واسطه شغل پدر در گرگان به دنیا آمدم. اگر بخواهم دقیق تر بگویم، متولد روبروی باشگاه افسران هستم. من تمام مراحل مدرسه و دانشگاه را در همین شهر گذراندم و در نهایت به استخدام آموزش و پرورش در آمدم. رشته تحصیلی من علوم تربیتی است. اما از کودکی به تئاتر علاقه مند بودم.

### علاقه تان به تئاتر و سینما از کجا آغاز شد؟

از کلاس سوم ابتدایی نشریاتی از قبیل اطلاعات هفتگی، اطلاعات کودکی و فیلم و هنر و ستاره سینما را مطالعه می کردم. آقای هوشنگ گل مکانی روبروی منزل ما ساکن بود و ما به واسطه علاقه مشترکمان به سینما، مدت ها درباره مجلاتی که مطالعه می کردیم و فیلم هایی که می دیدیم صحبت می کردیم. این را هم بگویم که ارتش

مهران موذنی - اگرچه که استان گلستان از دیرباز ستارگان زیادی را در عرصه نمایش به خود دیده، اما کم تر چهره های کارنامه پرباری چون استاد غلامعلی رضایی دارد. آموزگاری که علاوه بر کارگردانی و بازیگری تئاتر، در فیلم ها و سریال های متعددی نیز جلوی دوربین رفته است. به تازگی با ایشان گفت و گویی درباره سوابق و رسالت هنری شان داشتیم که در ادامه آن را می خوانیم.

### باسلام و عرض ادب خدمت شما. لطفا خودتان را برای مخاطبان گلشن مهر معرفی کنید.

غلامعلی رضایی هستم، متولد سال ۱۳۳۱ در گرگان. البته اصالت من خراسانی است. پدر و مادر من اهل شهرستان فریمان در خطه خراسان هستند. پدر من یک نظامی بود که در پادگان گرگان به مدت ۳۰ سال



## بهره‌وری انرژی؛ آزمون جدی مدیریت توسعه در گلستان



مجید دهنوی

انرژی در دنیای امروز فقط یک کالای مصرفی نیست؛ سرمایه‌ای راهبردی است که کیفیت مدیریت آن می‌تواند آینده اقتصاد، تولید و رفاه جامعه را تعیین کند. کشورهایی که مسیر توسعه پایدار را جدی گرفته‌اند، مدت‌هاست دریافته‌اند که پاسخ مسئله انرژی فقط در تولید بیشتر برق، گاز یا سوخت خلاصه نمی‌شود؛ بلکه بخش مهم‌تر ماجرا در مصرف هوشمندانه، کاهش اتلاف و افزایش بهره‌وری نهفته است. در ایران نیز مسئله انرژی به یکی از چالش‌های مهم حکمرانی اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است. الگوی مصرف، فناوری‌های کم‌بازده، ساختمان‌های پرمصرف، تجهیزات فرسوده و ضعف فرهنگ سازمانی در مدیریت مصرف، سبب شده بخش قابل توجهی از ظرفیت انرژی کشور بدون خلق ارزش کافی هدر رود. از این منظر، بهره‌وری انرژی به معنای کم‌مصرف کردن صرف نیست؛ بلکه یعنی با انرژی کمتر، خدمت بهتر، تولید پایدارتر و رفاه بیشتری ایجاد کنیم. استان گلستان نیز در این زمینه با مسئله‌ای جدی و چندبعدی روبه‌روست. این استان به دلیل تنوع اقلیمی، گستردگی سکونتگاه‌های شهری و روستایی، نقش مهم کشاورزی، فعالیت صنایع کوچک و متوسط، و نیاز روزافزون بخش خدمات، مصرف انرژی متنوعی دارد. بنابراین مدیریت انرژی در گلستان فقط موضوع ادارات یا واحدهای صنعتی نیست؛ به‌خانه‌ها، مزارع، گلخانه‌ها، دامداری‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، شهرداری‌ها و حمل‌ونقل شهری و روستایی نیز مربوط

می‌شود. یکی از مهم‌ترین نکات در گلستان، پیوند مستقیم انرژی با آب و کشاورزی است. در استانی که بخش بزرگی از معیشت مردم با زمین، آب و تولیدات کشاورزی گره خورده، مصرف غیربهره‌وری انرژی می‌تواند هزینه تولید را افزایش دهد، فشار بر منابع طبیعی را بیشتر کند و توان رقابت اقتصادی را کاهش دهد. بهینه‌سازی مصرف برق و سوخت در پمپاژ آب، گلخانه‌ها، ماشین‌آلات کشاورزی و واحدهای فرآوری محصولات، فقط یک اقدام فنی نیست؛ بلکه بخشی از امنیت اقتصادی و زیست‌محیطی استان است. در سطح مدیریتی نیز لازم است بهره‌وری انرژی از حالت توصیه‌ای و مقطعی خارج شود و به شاخصی جدی در ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها تبدیل گردد. ادارات دولتی، شهرداری‌ها، مدارس و مراکز عمومی باید خود الگوی مصرف بهینه باشند. بدون پایش منظم، هدف‌گذاری روشن، آموزش کارکنان و اصلاح تجهیزات، نمی‌توان از مردم انتظار تغییر پایدار در رفتار مصرفی داشت. دولت و نهادهای عمومی زمانی در فرهنگ‌سازی موفق می‌شوند که ابتدا در رفتار سازمانی خود نشانه‌های جدی بهره‌وری را نشان دهند. از سوی دیگر، مدیریت انرژی فقط با بخشنامه پیش نمی‌رود. این موضوع نیازمند تغییر نگرش عمومی است. تا زمانی که انرژی به عنوان منبعی ارزان، همیشگی و بی‌پایان تصور شود، انگیزه کافی برای اصلاح مصرف شکل نمی‌گیرد. رسانه‌ها، دانشگاه‌ها،

مدارس و نهادهای محلی می‌توانند در تغییر این نگاه نقش مهمی داشته باشند. جامعه باید بدانند هر واحد انرژی که بی‌هدف مصرف می‌شود، در واقع بخشی از منابع مالی، زیست‌محیطی و توسعه‌ای کشور را از بین می‌برد. گلستان برای عبور از چالش‌های آینده، به مدیریتی نیاز دارد که انرژی را در کنار آب، کشاورزی، محیط‌زیست و بهره‌وری اقتصادی ببیند. نگاه جزیره‌ای به این حوزه دیگر پاسخ‌گو نیست. همان‌گونه که خشکسالی، سیلاب، کاهش منابع آب و هزینه تولید به هم مرتبط‌اند، مدیریت انرژی نیز باید بخشی از برنامه جامع توسعه استان باشد. بهره‌وری انرژی برای کشور یک ضرورت است و برای گلستان یک اولویت راهبردی. اگر امروز اصلاح الگوی مصرف، نوسازی تجهیزات، آموزش عمومی و مدیریت هوشمند انرژی جدی گرفته شود، استان می‌تواند بخشی از فشارهای اقتصادی و زیست‌محیطی آینده را کاهش دهد. اما اگر این موضوع همچنان در حد شعار باقی بماند، هزینه‌های آن نه تنها در قبض‌های انرژی، بلکه در تولید، محیط‌زیست، بودجه عمومی و کیفیت زندگی مردم آشکار خواهد شد.

مدرس دانشگاه

# هفته هفتم مسابقات اسبدوانی گنبد کاووس پایان یافت

به رقابت پرداختند که اسب «جم بابا» اول شد و اسب‌های «سیور» و «تاوانا» به ترتیب مقام دوم و سوم را کسب کردند. رقابت در دور ششم روز سوم و پایانی هفته هفتم مسابقات اسبدوانی کورس بهار - تابستانه گنبدکاووس هم که ویژه اسب‌های بیش از سه سال نژاد ترابورد هندیکاپ در دسته ۶ بود و با شرکت هشت راس اسب به مسافت ۱۲۰۰ متر برگزار شد، در پایان اسب «تیوان آی تی سی» به مقام قهرمانی رسید و اسب‌های «باد صبا» و «ساشا» به ترتیب دوم و سوم شدند. در دور هفتم و آخر این مسابقات هم که ویژه اسب‌های بیش از سه سال نژاد ترابورد هندیکاپ در دسته چهار بود هفت راس اسب به مسافت ۱۷۰۰ متر با یکدیگر به رقابت پرداختند که اسب «آی هان ابری» اول شد و اسب‌های «پوگان» و «کوالیتی» به ترتیب مقام دوم و سوم را بدست آوردند. متولیان برگزاری روز سوم و پایانی هفته هفتم مسابقات اسبدوانی کورس بهار - تابستانه گنبدکاووس مبلغ ۲۷ میلیارد و ۳۳۰ میلیون ریال پاداش نقدی پیش بینی کردند که به مالکان، مربیان و چابک‌سواران اسب‌های برنده دورهای هفتگانه اهدا می‌شود. مسابقات اسبدوانی کورس بهار - تابستانه ۱۴۰۵ گنبدکاووس که از ۱۶ اردیبهشت آغاز شده بود مطابق داده‌های هیات سوارکاری این شهرستان تا سه هفته دیگر ادامه دارد.



متر برگزار شد و در پایان اسب «سانتالنا» سریع‌تر از خط پایان گذشت و قهرمان شد و اسب‌های «فیزو هاس» و «سانفرانسیس» به ترتیب دوم و سوم شدند. در دور پنجم این مسابقات هم ۱۲ راس اسب بیش از سه سال نژاد ترکمن هندیکاپ در دسته چهار به مسافت ۱۲۰۰ متر با یکدیگر

اسب‌های «ال برهانو» و «نازلین» به ترتیب مقام دوم و سوم را بدست آوردند. رقابت در دور چهارم روز سوم و پایانی هفته هفتم مسابقات اسبدوانی بهار - تابستانه گنبدکاووس ویژه اسب‌های بیش از سه سال نژاد ترابورد هندیکاپ در دسته هفت بود که با شرکت ۱۲ راس اسب به مسافت ۱۲۰۰

هفته هفتم مسابقات اسبدوانی بهار - تابستانه گنبدکاووس با برگزاری روز سوم و آخر این هفته از مسابقات که در آن ۶۹ راس اسب از سه نژاد «ترکمن، دوخون و ترابورد» در هفت کورس شامل سه دور ۱۰۰۰ متری، سه دور ۱۲۰۰ متری و یک دور ۱۷۰۰ متری به رقابت پرداختند، پایان یافت. به گزارش روابط عمومی، در دور اول این مسابقات که ویژه اسب‌های بیش از چهار سال نژاد ترکمن هندیکاپ در دسته مبتدی و نبرده بود، ۱۲ راس اسب به مسافت ۱۰۰۰ متر باهم به رقابت پرداختند که اسب «قره باطر سخاوی» زودتر از سایر اسب‌ها از خط پایان گذشت و قهرمان شد و اسب‌های «شاهکار صحرا نورد» و «باراد قاسمی» به ترتیب در جایگاه دوم و سوم قرار گرفتند. رقابت در دور دوم ویژه اسب‌های بیش از چهار سال نژاد ترابورد هندیکاپ در دسته مبتدی و نبرده بود که با شرکت هفت راس اسب به مسافت ۱۰۰۰ متر برگزار شد و در پایان اسب «دل والی» اول شد و اسب‌های «ریحان محمدزاده» و «استرایکر» به ترتیب دوم و سوم شدند. در دور سوم نیز که ویژه اسب‌های بیش از سه سال نژاد دوخون هندیکاپ در دسته هفت بود، ۱۱ راس اسب به مسافت ۱۰۰۰ متر با هم به رقابت پرداختند که اسب «دل عادل» با پیشی گرفتن از دیگر رقبای اول شد و



فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان بیان کرد: ماموران یگان حفاظت امسال موفق به کشف حدود ۱۹ متر مکعب چوب، ۴۲۸ کیلوگرم زغال، ۲۱۶ استر هیزم و ۲۸۱ کیلوگرم قارچ ترافل قاچاق از ۵۲ متخلف شدند. سرهنگ گلپینی مفرد با تاکید بر لزوم حفاظت از طبیعت مقابل آتش سوزی و افزایش آگاهی جامعه در رابطه با پرهیز از روشن کردن آتش در عرصه‌های منابع طبیعی به ویژه در مجاورت درختان و علف‌زارهای خشک، گفت: امسال پنج فقره آتش سوزی به مساحت ۰.۵ هکتار در عرصه‌های جنگلی و مرتعی استان رخ داد که ماموران یگان با همکاری مردم محلی در کمترین زمان آنها را مهار کردند.

فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان گفت: بیش از ۱۳۰ هکتار جنگل، مرتع و ساحل امسال با تلاش نیروهای یگان حفاظت و اجرای احکام قضایی از متخلفان شناسایی و کشف و به بیت المال بازگشت داده شد. سرهنگ عیسی گلپینی مفرد اظهار کرد: بیش از ۶ هکتار از این زمین‌ها جنگلی در کلاله، مینودشت، گالیکش، آزادشهر، رامیان، گرگان و مراوه‌تپه بود که در ۲۴ فقره پرونده رفع تصرف و به بیت المال برگشت داده شد. وی حدود ۱۶ هکتار آن را ساحلی مربوط به یک فقره پرونده تخلف در بندرگز دانست و گفت: همچنین در این مدت حدود ۱۰۹ هکتار مرتع با تشکیل ۱۹ پرونده تخلف در کلاله، گالیکش، گنبدکاووس، گرگان، آق‌قلا و

## ۱۳۰ هکتار جنگل، مرتع و ساحل به مردم بازگشت



## آتش زدن بقایای گیاهی؛ نابودی سرمایه‌ای که باید به خاک بازگردد ...



علی کیان

هر ساله پس از پایان فصل برداشت، در برخی مناطق کشاورزی شاهد صحنه‌ای تکراری و نگران‌کننده هستیم؛ آتش زدن بقایای گیاهی مزارع با این تصور که زمین برای کشت بعدی سریع‌تر آماده می‌شود. اگرچه این روش در نگاه نخست ساده، کم‌هزینه و سریع به نظر می‌رسد، اما در واقع یکی از مخرب‌ترین رفتارها علیه منابع طبیعی، حاصلخیزی خاک و سلامت عمومی جامعه است. بقایای گیاهی، زباله یا مواد زائد نیستند، بلکه بخشی از چرخه طبیعی حیات خاک به شمار می‌روند. این بقایا با تجزیه شدن، مواد آلی، عناصر غذایی و ریزمغذی‌های ارزشمند را به خاک بازمی‌گردانند، ظرفیت نگهداری آب را افزایش می‌دهند، فعالیت میکروارگانیسم‌های مفید را تقویت می‌کنند و از فرسایش بادی و آبی جلوگیری به عمل می‌آورند. هنگامی که این بقایا در آتش می‌سوزند، بخش مهمی از سرمایه طبیعی مزرعه در مدت چند دقیقه از بین می‌رود؛ سرمایه‌ای که برای جایگزینی آن باید هزینه‌های سنگینی صرف خرید کودهای شیمیایی و اصلاح‌کننده‌های خاک شود. از سوی دیگر، دود ناشی از سوزاندن بقایای گیاهی تنها به مزرعه محدود نمی‌شود. این دود حاوی ذرات معلق و گازهای آلاینده‌ای است

که کیفیت هوا را کاهش داده، سلامت کشاورزان، روستاییان و ساکنان مناطق اطراف را تهدید می‌کند. افزایش بیماری‌های تنفسی، کاهش دید در جاده‌ها و حتی احتمال بروز تصادفات از جمله پیامدهای این اقدام است. همچنین آتش ممکن است از کنترل خارج شده و به باغ‌ها، مراتع، جنگل‌ها، تأسیسات و حتی خانه‌های روستایی سرایت کند و خسارت‌های جبران‌ناپذیری به بار آورد. از منظر اقتصادی نیز سوزاندن بقایا تصمیمی غیراقتصادی است. خاکی که مواد آلی خود را از دست می‌دهد، در سال‌های بعد به کود و آب بیشتری نیاز خواهد داشت و در نهایت عملکرد و کیفیت محصول کاهش می‌یابد. به بیان دیگر، کشاورزی که برای صرفه‌جویی در زمان بقایای گیاهی را می‌سوزاند، در آینده هزینه بیشتری برای حفظ بهره‌وری زمین خود پرداخت خواهد کرد. در سال‌های اخیر، کشاورزی نوین بر مدیریت اصولی بقایای گیاهی تأکید دارد. خرد کردن بقایا و بازگرداندن آن‌ها به خاک، تولید کمپوست، استفاده به‌عنوان خوراک دام در موارد مناسب یا بهره‌گیری در تولید کود آلی، همگی روش‌هایی هستند که ضمن حفظ محیط‌زیست، ارزش اقتصادی این بقایا را نیز افزایش می‌دهند. این رویکردها علاوه بر کاهش هزینه‌های

تولید، پایداری منابع خاک و آب را برای نسل‌های آینده تضمین می‌کنند. قانون نیز در این زمینه موضع روشنی دارد. بر اساس ماده ۲۰ قانون هوای پاک، آتش زدن بقایای گیاهی ممنوع بوده و تخلف از آن جرم محسوب می‌شود. این ممنوعیت صرفاً یک الزام قانونی نیست، بلکه پاسخی به واقعیت‌های علمی و ضرورت حفاظت از منابع طبیعی و سلامت عمومی است. امروز بیش از هر زمان دیگری، امنیت غذایی کشور به سلامت خاک وابسته است و سلامت خاک نیز در گرو رفتار مسئولانه بهره‌برداران آن است. کشاورزان همواره مهم‌ترین حافظان سرزمین بوده‌اند و بی‌تردید با افزایش آگاهی، استفاده از روش‌های علمی و پایبندی به قوانین، می‌توانند نقش مؤثرتری در حفظ محیط‌زیست و توسعه کشاورزی پایدار ایفا کنند. آتش زدن بقایای گیاهی شاید چند دقیقه زمان آماده‌سازی زمین را کاهش دهد، اما آثار زیان‌بار آن می‌تواند سال‌ها بر خاک، هوا، سلامت انسان و اقتصاد کشاورزی باقی بماند. حفظ بقایای گیاهی، در حقیقت حفظ سرمایه‌ای است که آینده کشاورزی و امنیت غذایی کشور به آن وابسته است.

فعال رسانه‌ای

# گلستان، قطب طیور کشور با چالش تامین مالی و صادرات

## توسعه زیرساخت‌ها؛ شرط استمرار جایگاه گلستان

عضو هیات مدیره انجمن صنعت طیور گلستان، با اشاره به رشد جایگاه استان در ۱۵ سال اخیر گفت: گلستان با هم‌افزایی دولت و بخش خصوصی از رتبه‌های میانی تولید به جایگاه نخست کشور در برخی شاخص‌های صنعت طیور رسیده است. شروین اردلان افزود: با وجود این موفقیت‌ها، استمرار تولید نیازمند تقویت زیرساخت‌های انرژی، مدیریت تامین برق و آب و حمایت از واحدهای تولیدی است زیرا تولید در بخش مرغ مادر فرآیندی طولانی‌مدت است و هرگونه اختلال در زیرساخت‌ها می‌تواند خسارت‌های سنگینی به همراه داشته باشد.



## گلستان؛ مقصدی مناسب برای سرمایه‌گذاری

معاون بهبود تولیدات دامی جهاد کشاورزی گلستان نیز از اجرای برنامه‌های گسترده حمایتی خبر داد و گفت: پس از حذف ارز ترجیحی، بیش از چهار هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان منابع مالی از طریق بانک کشاورزی و سامانه بازارگاه برای خرید نهاده و تامین سرمایه در گردش تولیدکنندگان استان اختصاص یافته که گلستان را در جایگاه نخست بهره‌مندی از این تسهیلات قرار داده است. رضا نظری افزود: در خرداد امسال بیش از ۱۴ میلیون و ۲۰۰ هزار قطعه جوجه‌ریزی در استان انجام شد که نسبت به سهمیه ابلاغی و ماه قبل افزایش قابل توجهی داشته است. به گفته وی گلستان علاوه بر برخورداری از زیرساخت‌های مناسب صادرات، به دلیل شرایط اقلیمی، بهره‌وری بالا، کاهش تلفات و ظرفیت‌های تولیدی، یکی از بهترین استان‌های کشور برای سرمایه‌گذاری در صنعت طیور به شمار می‌رود. سال گذشته نیز حدود ۳۵۰ هزار تن گوشت مرغ در گلستان تولید شد که تنها ۲۰ درصد آن در داخل استان مصرف و بقیه به سایر استان‌های کشور ارسال شد. صنعت طیور گلستان، با وجود ظرفیت‌های کم‌نظیر در تولید، اشتغال و تامین امنیت غذایی کشور، برای حفظ روند رو به رشد خود نیازمند رفع موانع ساختاری است. فعالان این صنعت، تامین سرمایه در گردش، تسهیل صادرات، کاهش هزینه‌های تولید و تقویت زیرساخت‌های انرژی را مهم‌ترین مطالبات خود عنوان می‌کنند و مسئولان نیز از اجرای برنامه‌های حمایتی دولت برای پایداری تولید خبر می‌دهند. کارشناسان معتقدند اگر این حمایت‌ها با سیاست‌های پایدار در حوزه صادرات، تامین مالی و توسعه زیرساخت‌ها همراه شود، گلستان می‌تواند علاوه بر حفظ جایگاه خود به عنوان قطب صنعت طیور کشور، نقش پررنگ‌تری در بازارهای منطقه‌ای و تقویت امنیت غذایی ایران ایفا کند.

این رو واردات این محصول، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای استمرار تولید است. به گفته رضا افتخارالدین، سال گذشته بیش از ۶۷۰ هزار تن ذرت برای تامین نهاده‌های مورد نیاز صنعت طیور وارد گلستان شد.

## دولت از تداوم تولید حمایت می‌کند

در مقابل مطالبات بخش خصوصی، مسئولان جهاد کشاورزی نیز از اجرای برنامه‌های حمایتی دولت خبر دادند. سعید حسن پور مدیر بازرگانی جهاد کشاورزی گلستان، با تأکید بر جایگاه راهبردی صنعت طیور استان گفت: سیاست دولت چهاردهم، حمایت مستمر از تولیدکنندگان و ایجاد شرایط برای استمرار تولید با سود منطقی است و در این مسیر، برنامه‌های متعددی برای پشتیبانی از فعالان این صنعت در حال اجراست. حسین لاری‌کمان، مدیرکل پشتیبانی امور دام گلستان نیز با اشاره به اجرای طرح‌های تنظیم بازار گفت: علاوه بر توزیع بدون محدودیت مرغ منجمد، از پایان سال گذشته تاکنون سرمایه با این حال، فعالان این عرصه در استان گلستان با چالش‌های متعددی از جمله تامین مالی، نوسانات بازار نهاده‌ها و موانع صادراتی روبرو هستند. در بخش سرمایه در گردش مورد نیاز برای تولید سه میلیون قطعه جوجه یک‌روزه بدون دریافت سود در اختیار تولیدکنندگان قرار گرفته و اجرای طرح تولید قراردادی گوشت مرغ نیز با اعتباری بالغ بر هزار میلیارد تومان، از دیگر برنامه‌های حمایتی دولت بوده است.

لازم برای تولید و فرآوری در گلستان وجود دارد و کشور علاوه بر تامین نیاز داخلی، توان صادرات مرغ و تخم‌مرغ را نیز دارد. سروش خادمیان تأکید کرد: توسعه دیپلماسی اقتصادی با کشورهای همسایه و باز نگه داشتن مسیر صادرات، نقش تعیین‌کننده‌ای در حمایت از تولیدکنندگان خواهد داشت.

## کشتارگاه‌ها در انتظار حمایت بانکی

چالش کمبود نقدینگی تنها محدود به واحدهای پرورش نیست و کشتارگاه‌های صنعتی نیز با مشکلات مشابهی روبرو هستند. دبیر انجمن کشتارگاه‌های گلستان، گفت: ۱۵ کشتارگاه صنعتی فعال استان ظرفیت کشتار شبانه هزار تن مرغ را دارند که هشت واحد آن دارای خطوط تمام اتوماتیک و استانداردهای صادراتی هستند و دو واحد دیگر نیز در آستانه بهره‌برداری قرار دارند. علی‌اصغر نادران با اشاره به اشتغال حدود ۱۰ هزار نفر در صنعت طیور گلستان، افزایش هزینه‌های انرژی و نبود حمایت بانکی را از مهم‌ترین مشکلات این بخش عنوان کرد.

## واردات ذرت؛ ضرورتی برای حفظ تولید

تامین نهاده‌های دامی نیز از دیگر محورهای این نشست بود. عضو هیات مدیره انجمن صنعت طیور گلستان، با اشاره به شرایط اقلیمی کشور گفت: ایران در منطقه‌ای خشک قرار دارد و تولید ذرت به دلیل نیاز آبی بالا، توجیه اقتصادی ندارد از

استان گلستان با برخورداری از زنجیره کامل تولید، سهم قابل توجه در تولید مرغ گوشتی، تخم‌مرغ و جوجه یک‌روزه و ظرفیت‌های گسترده فرآوری، یکی از مهم‌ترین قطب‌های صنعت طیور کشور محسوب می‌شود و نقش برجسته‌ای در تامین امنیت غذایی ایران دارد با این حال، فعالان این صنعت معتقدند استمرار تولید و حفظ مزیت‌های رقابتی، در گرو رفع چالش‌هایی همچون کمبود سرمایه در گردش، افزایش هزینه‌های تولید، محدودیت‌های صادراتی و تقویت زیرساخت‌های انرژی است. به گزارش ایران، این موضوع، محور میزگرد تخصصی «صنعت طیور گلستان؛ سنگ‌بنای امنیت غذایی کشور» بود که با حضور مسوولان، فعالان بخش خصوصی، کارشناسان و خبرنگاران در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گرگان برگزار شد. براساس آمار جهاد کشاورزی گلستان، این استان با هزار و ۳۲ واحد پرورش مرغ گوشتی، ۷۴ واحد مرغ مادر و ۳۹ واحد مرغ تخم‌گذار و پولت، حدود ۱۱.۵ درصد گوشت مرغ و نزدیک به هشت درصد تخم‌مرغ کشور را تولید می‌کند و یکی از مراکز اصلی تولید جوجه یک‌روزه در ایران به شمار می‌رود که این ظرفیت گلستان را به یکی از پایه‌های اصلی امنیت غذایی کشور تبدیل کرده است.

## سرمایه در گردش؛ مطالبه نخست تولیدکنندگان

عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی گرگان، با تأکید بر نقش صنعت طیور گلستان در تامین امنیت غذایی کشور گفت: حذف ارز ترجیحی تصمیمی درست بود، اما نحوه اجرای آن فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد کرد و اکنون کاهش تقاضا، افزایش هزینه‌های تولید و نبود نقدینگی، ادامه فعالیت واحدهای تولیدی را دشوار کرده است. رضا مبصری با اشاره به مصوبه هیات وزیران برای تامین سرمایه در گردش این صنعت و افزایش سرمایه بانک کشاورزی، خواستار عملیاتی شدن این مصوبات شد و افزود: حمایت بانکی و بازگشایی مسیرهای صادراتی، دو مطالبه اصلی تولیدکنندگان برای حفظ پایداری تولید است.

## صادرات؛ حلقه مفقوده توسعه صنعت طیور

یکی دیگر از محورهای اصلی این میزگرد، ضرورت توسعه صادرات بود که فعالان بخش خصوصی آن را راهکار اصلی حفظ تعادل بازار و استمرار تولید می‌دانند. دامپزشک و فعال صنعت طیور گلستان با بیان اینکه دانش فنی تولید جوجه یک‌روزه در ایران از بسیاری از کشورهای منطقه بالاتر است، گفت: زیرساخت‌های

ادامه تیتراول

# از مدرسه تا سینما

پخته‌ای ندارند یا از نظر انتقال حس دچار ضعف هستند.

## علت اصلی سطح پایین بسیاری از بازیگران کنونی تئاتر چیست؟

علت اصلی، ضعف در آموزش صحیح است. برای مثال، نخستین استادی که برای آموزش به گرگان آمد، آقای سعید نیک‌پور بود. ایشان تحصیل کرده این رشته بودند و همان شیوه‌هایی را که در دانشگاه آموخته بودند، با نظم و دقت به هنرجویان منتقل می‌کردند، از آن‌ها امتحان می‌گرفتند و نمره می‌دادند. ما همچنین از اساتیدی مثل منیریه حامدی، نادر پاکرو، منوچهر آذر، مسعود فقیه، ابراهیم آبادی، مصطفی اسکویی، هادی مرزان، فرزانه کابلی، قطب‌الدین صادقی، بابک محمدی و... نیز در طی سالیان بهره بردیم. اما امروز می‌بینیم افرادی به آموزش تئاتر مشغول‌اند که تنها چند نمایش بازی کرده‌اند و هیچ تحصیلات تخصصی یا زرومه قابل قبولی در این زمینه ندارند. این افراد با دریافت هزینه، تعادلی جوان را گرد هم می‌آورند و آموزش می‌دهند، اما نتیجه آن چیست؟! چرا با وجود این همه آموزش، بازیگران شاخص و توانمند کمتری تربیت می‌شوند؟ اگر بازیگران نسل گذشته مانند آقای خیرخواه، مرحوم صمیمی، آقای رستمی و آقای اثنی عشری، مرحوم جلالی، مرحوم صالحی و آقای سعیدی را در نظر بگیریم، حتی و با وجود سن بالایشان، وقتی به بیان آن‌ها گوش می‌دهید، لذت می‌برید. این‌ها بازیگران آموزش دیده‌ای هستند که پایه‌های محکمی دارند. در مقابل، امروز فردی با مدرک کارشناسی ارشد بازیگری وارد صحنه می‌شود، اما گاه ابتدایی‌ترین اصول را نمی‌داند. این نشان می‌دهد که آموزش تا چه اندازه ضعیف شده است و بخشی از این ضعف نیز به کیفیت پایین برخی استادان بازمی‌گردد. بسیاری از مراکز آموزشی صرفاً به صدور مدرک فکر می‌کنند و نتیجه این روند، کاهش کیفیت است. در کنار معبود بازیگران موفق، تعداد زیادی بازیگر ضعیف نیز تربیت می‌شوند، زیرا برخی تصور می‌کنند بازیگری کار آسانی است. در حالی که کارگردان باید بر کیفیت بازی بازیگران حساس باشد، نه اینکه تنها به حفظ دیالوگ و راه رفتن روی صحنه اکتفا کند. امروز پیش از سپردن نقش به یک بازیگر، باید ابتدا بسیاری از اصول اولیه را به او آموزش بدهیم. در حالی که در گذشته چنین نبود و بازیگران قدیمی با یک توضیح، نقش را درک می‌کردند و آن را اجرا می‌کردند. امروز ممکن است برای آماده شدن یک نمایش ده ماه یا بیشتر زمان صرف شود. برای من مهم این است که اثر خوب از کار دربیاید، حتی اگر نتیجه نهایی کاملاً رضایت‌بخش نباشد. من معتقدم باید به تماشاگر احترام گذاشت و برای او ارزش قائل شد. برای این کار باید وقت و هزینه صرف کرد. با وجود مشکلات جسمی و شرایط سخت، ماه‌ها تمرین می‌کنم. برخی می‌گویند چرا این قدر زمان صرف می‌شود، اما اگر از نظر آن‌ها این نشانه بلد نبودن است، من آن را می‌پذیرم؛ زیرا مهم این است که خودم از کیفیت کار رضایت داشته باشم. متأسفانه گاهی حتی برخی همکاران نیز به جای حمایت، فضای منفی ایجاد می‌کنند و به بازیگران القا می‌کنند که کارگردان قادر به ارائه کار خوب نیست. این مسئله واقعاً تأسف آور است. اینکه همکاران و همراهانی که سال‌ها در کنار یکدیگر روی صحنه بوده‌اند، چنین رفتاری داشته باشند، نشان می‌دهد که تا چه اندازه شرایط تغییر کرده و ما به مرحله‌ای رسیده‌ایم که جای تأمل فراوان دارد. در حالی که من بازیگرهایی را انتخاب می‌کنم که بسیاری از آن‌ها برای نخستین بار وارد صحنه می‌شوند. به یاد دارم خانمی را برای بازی دعوت کردم که می‌گفت حتی داخل تالار را هم تا آن روز ندیده و در تمام عمرش حتی یک نمایش هم تماشا نکرده است. از او خواستم در نمایش من بازی کند و به او گفتم: «اگر به حرف من گوش بدهی، می‌توانی آمد و من به او اعتماد به نفس دادم. درست در برابر بزرگان تئاتر گرگان، از جمله آقایان رستمی، صفرپور، صمیمی، سعیدی و دیگر پیشکسوتان، کسی



و پرورش نیز با آن موافقت می‌نمود. البته تلاش می‌کردم روزهایی را که در کلاس حضور نداشتم جبران کنم تا آسیبی به روند آموزش دانش‌آموزان وارد نشود. در حوزه آموزش و پرورش نیز نخستین کلاس نابینایان را در گرگان راه‌اندازی کردم. نخستین کسی بودم که برای گذراندن دوره خط بریل، به مدت چهار روز به تهران رفته و پس از بازگشت، نخستین کلاس نابینایان را تشکیل دادم. در آن زمان، یعنی سال ۱۳۶۱، یافتن دانش‌آموز نابینا خود یک فرآیند بسیار دشوار بود؛ زیرا خانواده‌ها حاضر نبودند دیگران بدانند فرزندشان نابیناست. با همکاری اداره بهزیستی، افراد نابینا را شناسایی کردیم، به خانه‌هایشان رفتیم و آن‌ها را تشویق به آموزش کردیم. توضیح دادیم که می‌توانند تا مقطع لیسانس و فوق‌لیسانس تحصیل کنند و امروز برخی از آن‌ها خود مدرس هستند. نابینایی مانع یادگیری نیست؛ این افراد حافظه، شنوایی و توان ذهنی بالایی دارند. آن سال با سختی فراوان، تنها ۲۴ نفر نابینا را در گرگان، کردکوی و روستاهای اطراف شناسایی کردیم که از میان آن‌ها فقط هشت نفر پذیرفتند در کلاس‌ها شرکت کنند. برای آن‌ها سرویس رفت‌وآمد فراهم کرده بودیم؛ مینی‌بوس در اختیارشان قرار می‌گرفت و از خانه به مدرسه و بالعکس جابه‌جا می‌شدند. وقتی وارد کلاس شدند، دیدند به‌راحتی می‌توانند ارتباط برقرار کنند. من در دوره‌ای که در تهران گذرانده بودم، دیده بودم که دانش‌آموز نابینا در کنار دانش‌آموزان بینا آموزش می‌بیند و نباید میان آن‌ها تفاوتی قائل شد.

## نخستین کلاس‌های آموزشی تئاتر در گرگان مربوط به پیش از آغاز فعالیت حرفه‌ای شما بود؟

نخستین آکادمی یا کلاس تئاتر گرگان به سال ۱۳۴۷ بازمی‌گردد؛ زمانی که ما هنوز دانش‌آموز بودیم. آقایان رستمی، صمیمی، اثنی عشری و خیرخواه از نخستین افرادی بودند که در آن دوره‌ها شرکت کردند. استادی از تهران برای آموزش به گرگان اعزام شده بود. ایشان فارغ‌التحصیل رشته تئاتر بودند و به دستور وزارت فرهنگ و هنر، برای پنج تا هفت ماه به گرگان آمدند تا فقط به آموزش تئاتر بپردازند. با وجود امکانات محدود اداره فرهنگ و هنر، شرایط لازم برای تشکیل کلاس‌ها فراهم شد و حدود هفت تا ده نفر در آن دوره‌ها شرکت کردند. به گفته مرحوم استاد صمیمی، کیفیت آموزش‌ها بسیار بالا بود و نتیجه آن، تربیت بازیگرانی بود که از نظر بیان، حرکت، حس و سایر ویژگی‌های لازم برای بازیگری، در سطح بسیار خوبی قرار داشتند. متأسفانه امروز چنین کیفیتی کمتر دیده می‌شود. اکنون بازیگرانی را می‌بینیم که صدایشان در سالن شنیده نمی‌شود، صدای

نمایش «در مه بخوان» بود که استاد اکبر رادی آن را نوشته بودند و مرحوم استاد صمیمی آن را کارگردانی می‌کردند. برای اجرای این نمایش، مسیر خوزستان تعیین شد. ما از گرگان حرکت کردیم، اما ابتدا در ساری یک اجرای آزمایشی یا پیش‌نمایش داشتیم و سپس راهی خوزستان شدیم. بازیگران بسیار خوبی در این نمایش حضور داشتند؛ مرحوم استاد صمیمی، مرحوم استاد صفرپور، آقای رستمی، مرحوم حسین صفرپور، خانم میترا غزالی، آقای سعیدی و دیگر دوستان. من نیز یکی از بازیگران این اثر بودم و نخستین نقش چلی خود را در همین نمایش تجربه کردم. این توره‌ها معمولاً حدود پانزده روز طول می‌کشید. هر شب یا یک شب در میان در شهری اجرا داشتیم، زیرا دکور نمایش نیز باید نصب می‌شد. حدود هفت یا هشت اجرا در شهرهایی چون مسجدسلیمان، آغاجاری، آبادان، خرمشهر و دیگر شهرهای مسیر انجام دادیم.

## توره‌های نمایشی آن زمان چه مزایایی داشت؟

این سفرها بسیار مفید و جذاب بود، زیرا هنرمندان شهرهای مختلف به دیدن ما می‌آمدند و فرصت گفتگو و تبادل نظر فراهم می‌شد. از مزایای این شیوه آن بود که مردم و هنرمندان شهرهای مختلف با تئاتر گرگان و هنرمندان آن آشنا می‌شدند و ما نیز با هنرمندان دیگر شهرها ارتباط برقرار می‌کردیم. اگر قرار بود از آن هنرمندان بخواهیم برای دیدن نمایش به تهران یا گرگان بیایند، چنین امکانی برای بسیاری فراهم نبود؛ اما وقتی گروه‌ها به شهرهای مختلف سفر می‌کردند، امکان تماشای آثار برای طیف وسیع‌تری از مخاطبان و هنرمندان فراهم می‌شد. به همین دلیل، این شیوه نقش مهمی در رشد و توسعه تئاتر داشت. در مقابل، گروه‌های نمایشی شهرهای دیگر نیز به گرگان می‌آمدند و آثار خود را اجرا می‌کردند و ما از آن‌ها بهره می‌بردیم. این یکی از شیوه‌های موفق آن دوران بود و باعث می‌شد تئاتر بیشتر دیده شود.

## استخدامات در آموزش و پرورش به همان سال‌ها بازمی‌گردد؟

در همان زمان، من در آموزش و پرورش نیز استخدام شده بودم و تدریس می‌کردم. وزارت آموزش و پرورش با هماهنگی اداره فرهنگ و هنر، امکان مأموریت‌های هنری را فراهم کرده بود. به این صورت که اداره فرهنگ و هنر طی نامه‌ای اعلام می‌کرد که این هنرمند برای مدت سیزده یا چهارده روز جهت مأموریت هنری مورد نیاز است و آموزش

به طوری که اگر پشت پنجره رادیو را روشن می‌کردند، همه می‌توانستیم برنامه را بشنویم. حتی عکس‌های بازیگران را می‌خریدیم. البته خود ارتش هم هر چند وقت یک‌بار به مناسبت‌های مختلف در سالن داخل پادگان برای خانواده‌های نظامیان برنامه‌های نمایشی شامل تئاتر، آکروبات و موسیقی اجرا نموده و از بازیگرانی که خود نظامی بودند، مانند آقای اکبر دودکار و حبیب‌اله تابان که نوازنده قره‌نی هم بود، استفاده می‌کردند. این دو نقش‌های مکمل یکدیگر را ایفا می‌کردند؛ به این صورت که آقای دودکار بیشتر نقش‌های کملی را بر عهده داشتند و آقای تابان معمولاً نقش‌های چلی را بازی می‌کردند. در آن دوران، یکی از تفریحات ما این بود که هر چند وقت یک‌بار به تماشای این نمایش‌ها می‌رفتیم و همین موضوع موجب شد که به هنر تئاتر علاقه‌مند شویم.

## آغاز کارتان در عرصه نمایش به چه دوره‌ای از زندگی تان بازمی‌گردد؟

پس از پایان خدمت در سپاه دانش در سال ۱۳۵۴، با آقای روحی که از دوستان هم‌محل‌های هنرمندان این شهر هستند، همچنان در ارتباط بودیم. ما همسایه بودیم و در زمینه هنر نیز علاقه مشترکی داشتیم. حتی دوران خدمت سپاه دانش را نیز در یک منطقه گذرانیدیم و هر دو در گیلان مشغول خدمت بودیم. همین نزدیکی و ارتباط، باعث می‌شد که رفت‌وآمد و گفتگوهای فراوانی درباره هنر داشته باشیم. پس از بازگشت، شنیدیم که اداره فرهنگ و هنر، آموزش بازیگری برگزار می‌کند و به تربیت بازیگر می‌پردازد. علاقه‌مند شدیم که به آنجا مراجعه کنیم. به اداره فرهنگ و هنر رفتیم تا ببینیم شرایط چگونه است. آن زمان، ساختمان اداره فرهنگ و هنر در محلی قرار داشت که اکنون رویه‌روی داروخانه شمشری، در خیابان شالیکوبی، واقع شده است. هنوز ارشاد اسلامی تشکیل نشده بود و این مربوط به دوران پیش از انقلاب است. بخش تئاتر اداره فرهنگ و هنر نیز در همان ساختمان فعال بود. در آنجا با دوستانی آشنا شدیم که پیش از ما کار تئاتر را آغاز کرده بودند. از جمله مرحوم آقای صمیمی، اثنی عشری، نامور، خیرخواه، یحیی دیوانی و دیگر دوستانی که در این حوزه فعال بودند. ما در خدمت این عزیزان قرار گرفتیم. آن زمان این عزیزان مشغول اجرای نمایش بودند. ما نیز خودمان را معرفی کردیم و گفتیم که به تئاتر علاقه‌مندیم. داوطلبان این عرصه زیاد نبودند. از همین رو، آن‌ها با روی باز ما را پذیرفتند. گفتند کلاس آموزشی نداریم، اما در حال کار روی برخی نمایش‌ها هستیم و شما می‌توانید در کنار ما باشید، آنچه گفته می‌شود را به خاطر بسپارید و یاد بگیرید. به این ترتیب، ما در کنارشان به عنوان نیروی کمکی فعالیت می‌کردیم؛ در کارهای صحنه، پخش صدا، نورپردازی و نصب دکور مشارکت داشتیم و به مرور زمان این فرصت فراهم شد که وارد عرصه بازیگری نیز بشویم. پس از آشنایی با فضای کار و شیوه اجرا، به عنوان بازیگر نیز روی صحنه رفتیم. شاید نخستین تجربه بازیگری من در نمایش «های» در سال ۱۳۵۵ بود که مرحوم ابراهیم آبادی آن را نوشته و مرحوم نامور آن را کارگردانی کرده بودند و من یکی از نقش‌های کوتاه آن را بر عهده داشتم. با همین نمایش، سفری به استان خراسان داشتیم. اجراها از گنبد آغاز شد و سپس به بجنورد و مشهد رفتیم و در مسیر، برنامه‌های مختلفی اجرا کردیم.

## آن زمان شرایط چگونه بود که در قالب توره‌های نمایشی در سراسر ایران اجرا می‌کردید؟

پیش از انقلاب، جشنواره‌های مانند جشنواره فجر وجود نداشت و شیوه رایج، برگزاری توره‌های نمایشی بود. برای مثال، گروهی در گرگان نمایشی را آماده می‌کرد، آن را به اداره فرهنگ و هنر معرفی می‌کرد و پس از تأیید، مسیر اجرای آن مشخص می‌شد. مثلاً گفته می‌شد که گروه در شهرهای مسیر کرمان یا خوزستان اجرا داشته باشد. نمایش «های» نیز در مسیر استان خراسان اجرا شد. اثر بعلی من،

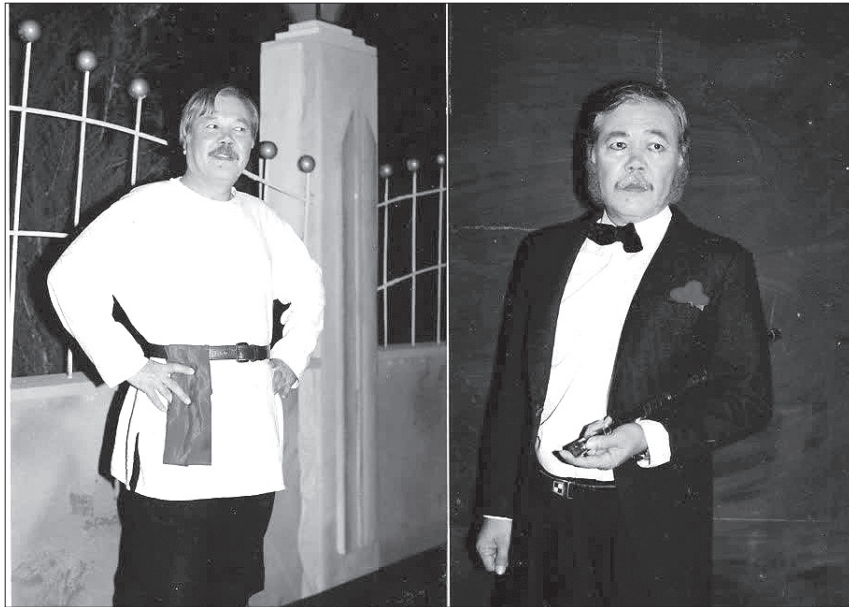
زبان مردم خود نزدیک باشد. اگر بخواهم موضوعی مانند عشق و خیانت را مطرح کنم، ترجیح می‌دهم اثری ایرانی باشد که این مفاهیم را در خود داشته باشد، نه این که صرفاً سرآغ متنی از شکسپیر بروم. عشق و خیانت در همه جای دنیا یکی است، اما اگر نمونه ایرانی خوبی وجود داشته باشد، آن را ترجیح می‌دهم؛ البته نه اثری سطحی، بلکه متنی خوب و قابل فهم برای مردم. به همین دلیل، بیشتر آثار من ایرانی بوده‌اند، هرچند آثار خارجی نیز کار کرده‌ام. معتقدم نمایش باید متناسب با فرهنگ خودمان باشد؛ باید نزدیک و قابل فهم باشد. مردم ما بسیار باهوش‌اند و مفاهیم خارجی را نیز درک می‌کنند، اما برای انطباق با آن‌ها زمان بیشتری نیاز است و ارتباط احساسی لازم به راحتی شکل نمی‌گیرد. وقتی اثر ایرانی باشد، مخاطب خیلی راحت‌تر آن را درک می‌کند و برای شخصیت‌ها معادل‌های ذهنی پیدا می‌کند.

### در رابطه با آثار خارجی چه باید کرد؟

اگر دراماتورژی خوبی صورت بگیرد، در نهایت اثر خوبی شکل می‌گیرد. البته منظورم از دراماتورژی این نیست که همه چیز را کاملاً ایرانی کنیم، بلکه باید نشانه‌ها و کدهایی به مخاطب بدهیم تا راحت‌تر با اثر ارتباط برقرار کنند. من آثار آرتور میلر را بسیار دوست دارم، چون زبان و بیان آن‌ها به ما نزدیک است. برای مثال، «چشم‌اندازی از پل» درباره مهاجرت است؛ موضوعی که برای ما قابل فهم است. متن روانی دارد و تعصب‌ها و روابط موجود در آن برای ما قابل درک‌اند. به همین دلیل این اثر را کار کردم. مهاجران ایتالیایی که به آمریکا می‌روند و آمریکایی که سرزمین آرزوها محسوب می‌شود، برای ما نیز قابل فهم است. وقتی ادبی نسبت به کاترین حساس می‌شود و مانع ازدواج او می‌شود، مخاطب متوجه می‌شود که دلیل این رفتار، علاقه شخصی اوست. این مفاهیم را می‌توان در بازی و کارگردانی به خوبی نشان داد. اما برخی نمایش‌ها هستند که ارتباط برقرار کردن با آن‌ها دشوار است. از شخصیت‌ها و مفاهیمی نام می‌برند که برای ما ناشناخته‌اند. هرچند ترجمه شده‌اند و معنا منتقل می‌شود، اما جذب آن‌ها زمان بر است. مثل غذایی که خوش طعم است و از خوردنش لذت می‌برید، اما دیر هضم می‌شود. چرا باید سرآغ چیزی برویم که هضمش دشوار است؟ بهتر است به سرآغ آثاری برویم که هضم آن‌ها آسان‌تر است و مخاطب راحت‌تر با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند.

### در نهایت چه خواسته‌ای از رسانه‌ها برای بهبود اوضاع تئاتر استان دارید؟

خواسته من از شما این است که مطبوعات ما باید در حوزه هنر فعال‌تر باشند. شما به عنوان کسانی که به هنر این شهر و هنرمندان آن علاقه‌مند هستید، وارد این عرصه شوید و متناسب با ظرفیت روزنامه‌تان، صفحاتی را به این موضوع اختصاص دهید؛ هرچند در حد چند ستون. این کار باعث می‌شود ارتباط خوانندگان شما با هنر تئاتر بیشتر شود و مردم تئاتر را بهتر بشناسند. این یکی از خواسته‌های من است. خواسته دیگرم این است که در محافل هنری حضور پیدا کنید، کنجکاری کنید، ایراد بگیرید، نقد بنویسید و منتقد تربیت کنید. شما باید چند منتقد در اختیار داشته باشید؛ چه از میان هنرمندان و چه از میان همکاران خودتان. به هر حال همه شما صاحب‌نظر هستید. اگر شما به ما و به اداره ارشاد مطالبه و فشار وارد نکنید و چیزی نخواهید، هیچ‌کس کاری انجام نخواهد داد. من بارها این موضوع را گفته‌ام. به دوستان شما که دوستان من نیز هستند و در عرصه مطبوعات فعالیت می‌کنند، همیشه می‌گویم که باید حرکتی انجام دهید. مگر همه مطالب باید سیاسی باشند؟ مگر همه چیز باید سیاست باشد؟ ما می‌توانیم نقد اجتماعی داشته باشیم و نقد اجتماعی از مسیر نقد هنر نیز امکان‌پذیر است. از طریق هنر می‌توان به نقد اجتماعی رسید. بنابراین باید در این زمینه بیشتر تلاش کنیم. همچنین باید اجزای ضعیف را ضعیف بنامیم. باور کنید اگر بگویم کاری بد است، پس از مدتی هم برای کارگردان عادی می‌شود و هم برای شما که نقد می‌کنید. آن کارگردان نیز، حتی اگر در ظاهر در برابر شما موضع بگیرد، در باطن حتماً در شیوه کار خود تجدیدنظر کرده و مسیرش را اصلاح خواهد کرد. از اینکه وقت‌تان را در اختیار مخاطبان گلشن مهر گذاشتید، سپاسگزاریم.



کارگردانی محسن تنابنده در سال ۱۳۹۷، «گورکن» به کارگردانی کاظم ملایی در سال ۱۳۹۸، «آهو» به کارگردانی هوشنگ گلیمکانی در سال ۱۳۹۹، «احمد به تنهایی» به کارگردانی حسین مهکام در سال ۱۴۰۰، «پیریس» به کارگردانی اکتای برهانی در سال ۱۴۰۰، «درباره رنگ‌ها» به کارگردانی سیاوش فرهادی در سال ۱۴۰۲ و «سومری‌ها» به کارگردانی کاوه سجادی حسینی در سال ۱۴۰۳ ایفای نقش کردم. همچنین در سریال‌های «کارآگاه علوی ۲» به کارگردانی حسن هدایت در سال ۱۳۸۷، «بازی نقاب‌ها» به کارگردانی سیروس حسن پور در سال ۱۳۹۷، «نون خ» به کارگردانی سعید آقاخانی در سال ۱۳۹۹، «رعد و برق» به کارگردانی بهروز افخمی در سال ۱۳۹۹، «سایه‌های

خودم در سال ۱۳۹۵، «محراب سرخ» به نویسندگی بابک صفی‌خوانی و کارگردانی الله‌قلی نظری در سال ۱۳۹۰ و «نمایش عروسکی نخود نخود هر کی بره خانه خود» به نویسندگی امیر کاوش و کارگردانی برزو نیک‌نژاد در سال ۱۳۷۵. همچنین نمایش‌هایی که کارگردانی کرده‌ام عبارت‌اند از: «سند» نوشته نوراله حسینیخانی در سال ۱۳۶۳، «صید غول» نوشته احمدرضا اسعدی در سال ۱۳۶۴، «گرگ زوزه می‌کشد» نوشته حسن زاهدی، «مدرسه حیوانات» (ویژه کودک) نوشته خودم که کارگردانی آن بر عهده امیر کاوش بوده است، «جدالی دیگر» نوشته رجب محمدین، «عشق به افق خورشید» نوشته مهدی شجاعی، «کنار شمع آتش‌نشانی» نوشته دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی،



رعنا» به کارگردانی داریوش جهانگیری در سال ۱۴۰۰ و مجموعه تاریخی «اسلمان فارسی» به کارگردانی داود میرباقری در سال ۱۴۰۲ حضور داشتم. همچنین در ۳ تله‌تئاتر به نام‌های «آقای شهردار» به کارگردانی هادی نامور، «بوقلمون‌صفت» به کارگردانی محمدهادی نامور و «فضیلت بزرگ» به کارگردانی محمدهادی نامور حضور داشتم. در شبکه استانی گلستان نیز در سریال‌ها و فیلم‌هایی مثل «پارتیمان» به کارگردانی محمدرضا کریمی، «باور» به کارگردانی محمدرضا جعفرآبادی، «عروسی» به کارگردانی علیرضا مقدم، «پارش» به کارگردانی محمدهادی نامور، «نیزارهای بلند» به کارگردانی محمدهادی نامور، «دم‌پافته» به کارگردانی محمدهادی نامور، «اکو» به کارگردانی یوسف شفیق، «سکوت صحرا» به کارگردانی میترا اویسی، مجموعه تلویزیونی «شکرستان» به کارگردانی علیرضا مقدم، «جهان بانو» به کارگردانی محمدهادی نامور و «بادهای موسمی» به کارگردانی محمدهادی نامور ایفای نقش کردم.

### آیا در انتخاب آثار هنری رسالتی برای خودتان قائل بوده‌اید؟

بله، نخستین نکته برای من این است که نمایش به

«نخل و کوسه» نوشته ناصح کامکاری، نمایش تعزیه «فاجعه رمضان»، نمایش تعزیه «شمن در خانه»، «هنر» نوشته یاسمینا رضا، «اسی‌ام اسفند سال کبیسه» نوشته ناصح کامکاری، «پیوستگان» نوشته صادق عاشورپور، «مردی با چشمان آبی» نوشته خسرو امیری، «چشم‌اندازی از پل» نوشته آرتور میلر، «عروس توکا و صیاد ناقلا»، «عروسی خان مظفر» نوشته دکتر محمدحسین ناصرخت، نمایش خیابانی «آزاد» نوشته قاسم مهدوی، «یک مشت کاغذهای خاکی» نوشته قاسم مهدوی، «یک شب سرد» (نمایش خیابانی) نوشته مجید انوری و «به مناسبت ورود اشکان» نوشته پوریا کاکاوند.

### در چه فیلم‌ها و سریال‌هایی ایفای نقش کردید؟

در سینما در آثاری چون «جهنم سبز» به کارگردانی اسماعیل براری در سال ۱۳۷۴، «اسب» به کارگردانی بابک محمدی در سال ۱۳۸۴، «دل‌می‌خواد» به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا در سال ۱۳۹۳، «پل خواب» به کارگردانی اکتای برهانی در سال ۱۳۹۴، «روزی که مینا گم شد» به کارگردانی شهاب رضویان در سال ۱۳۹۱، «سد معبر» به کارگردانی محسن قرائی در سال ۱۳۹۵، «قسم» به

روی صحنه رفت که تا آن زمان حتی یک نمایش هم ندیده بود. در ابتدا او را جلدی نمی‌گرفتند و می‌گفتند نمی‌تواند، اما گفتم کمی حوصله به خرج بدهید. در نهایت به یکی از بهترین بازیگران تبدیل شد. کسی که نه سابقه بازی داشت و نه حتی نمایش دیده بود، به یکی از بهترین بازیگران صحنه من بدل شد. این رنج و زحمت با من بود و افتخار می‌کنم که توانستم چنین بازیگری را تربیت کنم؛ بازیگری که بعدها کارگردان‌های دیگر مشتاق بودند او را برای همکاری دعوت کنند.

### نقش وزارت فرهنگ و ارشاد در این ضعف چیست؟

متأسفانه مدیران فرهنگی و مدیران ارشاد نیز در بسیاری موارد عملکرد ضعیفی دارند و به هنر تئاتر و سینما آن‌گونه که باید اهمیت نمی‌دهند. گاهی بدون توجه به رزومه و شایستگی افراد، از آن‌ها تقدیر می‌شود و این مسئله به اعتبار هنر آسیب می‌زند. وقتی فردی بدون پشتوانه حرفه‌ای مورد تجلیل قرار می‌گیرد، کسانی که شناخت کافی ندارند، تصور می‌کنند او بهترین است. ما امروز شاهد این هستیم که مدیر محترم اداره کل از بازیگری تقدیر می‌کند که عملاً بازیگر نیست و رزومه‌ای ندارد. اگر مدیری توان، درک و شناخت حوزه مسئولیت خود را ندارد، بهتر است کنار برود.

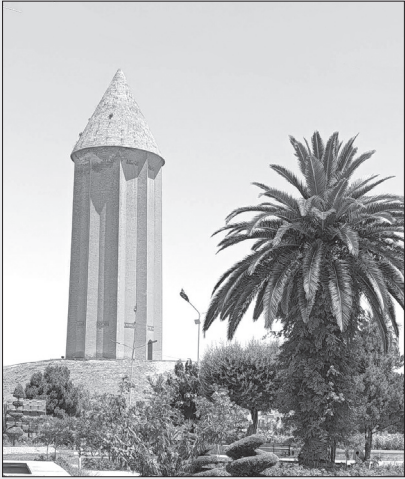
### اولین بار کلاس‌های بازیگری را چه زمانی و چگونه گذراندید؟

بازیگری را ابتدا به صورت تجربی و در کنار استادانی همچون آقای صمیمی، آقای دیوانی، آقای نامور و آقای رستمی آغاز کردم. سپس دوره‌های کارشناسی تئاتر را در همین تالار، با حضور استادانی که از تهران می‌آمدند، گذراندیم. حدود ۱۸۰ ساعت کلاس فشرده، صبح و بعدازظهر، که در حکم یک دوره کامل کارشناسی تئاتر بود. همچنین دوره مقدماتی گویندگی و دوبلاژ را در تهران به مدت ۸۰ ساعت گذراندیم. علاوه بر آن، در دوره‌های کوتاه‌مدت متعددی نیز شرکت کردم که استادانی از تهران برگزار می‌کردند؛ از جمله آقای قطب‌الدین صادقی، آقای هادی مرزبان، استاد مصطفی اسکویی، خانم فرزانه کابلی، آقای بابک محمدی و بسیاری دیگر که اغلب تحصیل کرده خارج از کشور بودند و دوره‌های کوتاه یا بلندمدت برگزار می‌کردند. اسامی بسیار است و اکنون حضور ذهن ندارم.

### آغاز فعالیت حرفه‌ای‌تان در بازیگری و کارگردانی تئاتر با چه آثاری بود؟

فعالیت هنری‌ام را با حضور بر صحنه تئاتر به عنوان بازیگر آغاز کردم. نمایش «رهایی» به کارگردانی محمدهادی نامور در سال ۱۳۵۵ اولین اثری بود که در آن ایفای نقش کردم. سپس در آثاری چون «در مه بخوان» نوشته اکبر رادی و به کارگردانی محمدرضا صمیمی، «ولد کشته» به نویسندگی صادق هائمی و کارگردانی صفر روحی در سال ۱۳۵۸، «حماسه سربداران» به کارگردانی صفر روحی در سال ۱۳۵۸، «صید غول» به نویسندگی احمدرضا اسعدی و کارگردانی خودم در سال ۱۳۶۴، «آموزگار» به نویسندگی محسن یلفانی و کارگردانی حسن رستمی در سال ۱۳۵۹، نمایش خیابانی «زینلی به باباش گفت» به نویسندگی مصطفی مختاباد و کارگردانی صفر روحی، «مجلس ضریب خوردن حضرت علی (ع)» به کارگردانی عبدالعلی خلیلی و محمدرضا اثنی‌عشری در سال ۱۳۵۷، «نیلوفرهای آبی» به نویسندگی و کارگردانی محمدهادی نامور در سال ۱۳۷۸، «آقای شهردار» به نویسندگی و کارگردانی محمدهادی نامور در سال ۱۳۷۹، «شرکای سندیکای مرگ» به نویسندگی و کارگردانی سید ابوالفضل سیدالنگی، «موسک» به نویسندگی و کارگردانی حسین خدادی، «ناله بوف» به نویسندگی جهانگیر جهانفر و کارگردانی محمدرضا صمیمی، «هورنسا» به نویسندگی و کارگردانی حسن رستمی در سال ۱۳۷۶، «مترسک دره جنی» به نویسندگی و کارگردانی محمدهادی نامور در سال ۱۳۸۸، «فضیلت بزرگ» به نویسندگی و کارگردانی محمدهادی نامور، «رستم و اسفندیار» به نویسندگی و کارگردانی علی کاظمی در سال ۱۳۸۲، «خورشید کاروان» به کارگردانی الله‌قلی نظری در سال ۱۳۸۹، اجراخوانی «چشم‌اندازی از پل» به نویسندگی آرتور میلر و کارگردانی خودم در سال ۱۳۹۳، نمایشنامه‌خوانی «یک مشت کاغذهای خاکی» به نویسندگی قاسم مهدوی و کارگردانی





ورق‌ورق شود و فرو بریزد. تاریخ، قضاوت سختی درباره کسانی خواهد داشت که سکان‌دار حفاظت از این میراث بودند و تماشاگرِ تدریجیِ ویرانی آن شدند.

فعال رسانه

همچون موریانه به جان آجرهای تاریخی افتاده است. ریشه دوانی گیاهان در دل بندکشی‌های برج، راه را برای نفوذ رطوبت و فرسایش مکانیکی باز کرده و عمر مفید این سازه ۱۵۰۰ ساله را به شکلی جبران‌ناپذیر کاهش می‌دهد. پرسش اصلی اینجاست؛ آیا متولیان امر تصور می‌کنند که میراث فرهنگی صرفاً با برگزاری مراسم‌های نمایشی و شعارهای سالانه حفظ می‌شود؟ آیا نظارت و مرمت مستمر، وظیفه‌ای فانتزی است یا تکلیفی قانونی؟ اینکه پس از صرف هزینه‌های کلان برای زدودن علف‌های هرز، دوباره شاهد رشد همان گیاهان در همان نقاط هستیم، نه یک حادثه، که بی‌تدبیری مسئولان امر و نشان‌دهنده نبود یک برنامه حفاظتی اصولی است. ما شهروندان و دوستداران میراث فرهنگی، دیگر نمی‌پذیریم که هزینه‌های مرمت به صورت «مُسکن‌های موقت» برای درمان دردهای ریشه‌ای این برج هزینه شود. از اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری انتظار داریم به جای پاک کردن صورت مسئله با تخصیص کارشناسان خبره و اجرای یک برنامه بلندمدت حفاظتی، به این رنج پایان دهند. برج قابوس شناسنامه ماست؛ اجازه ندهید این شناسنامه بر اثر بی‌توجهی

هزار و پانصد سال است که «گنبد قابوس»، این بلندترین برج آجری جهان، استوار در دل خاک این شهرستان (گنبدکاووس) ایستاده است. شاهکاری از معماری ایران که نه تنها نماد هویت ملی ما، بلکه نگینی در فهرست میراث جهانی یونسکو است. اما امروز، در کمال تأسف، این بنای بی‌بدیل نه به دست حوادث طبیعی یا جنگ، که به دست بی‌توجهی و بی‌تفاوتی مدیران و متولیان در آستانه فرسایشی نگران‌کننده قرار گرفته است. ماجرای داربست‌های فولادی که سال‌ها قامت بلند این اثر تاریخی و فرهنگی را در حصار خود زندانی کرده بود، هنوز از یادها نرفته است. داربست‌هایی که به بهانه مرمت و زدودن گیاهان هرز و ترمیم شکاف‌ها علم شد و هزینه‌های گزافی را از بودجه بیت‌المال بلعید. آن روزها وعده دادند که پس از پایان عملیات، این اثر فاخر برای سال‌ها از گزند آسیب‌ها مصون خواهد ماند. اما در این خانه، همان‌گونه بر پاشنه می‌چرخد که پیش‌تر می‌چرخید. حقیقت تلخ این است که داربست‌ها جمع شدند، اما درد و رنج برج باقی ماند. امروز با نگاهی گذرا به بلنه برج، شاهد رویش دوباره همان علف‌های هرزی هستیم که ریشه‌هایشان



میراثی که در سکوت می‌میرد؛

## برج قابوس قربانی سوءمدیریت و وعده‌های توخالی



محمود رحیمی

# راهکارهای ساده برای مصرف بهینه انرژی در خانه

است. پنجره‌هایی که خوب بسته نمی‌شوند درهایی که درز دارند یا اتاق‌هایی که بی‌دلیل گرم یا سرد می‌شوند باعث می‌شوند سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی مدت بیشتری کار کنند. بستن پرده‌ها در ساعات مناسب استفاده بهتر از نور طبیعی و جلوگیری از هدررفت دما از جمله اقداماتی هستند که بدون هزینه زیاد می‌توانند مصرف را متعادل‌تر کنند. کارشناسان همچنین توصیه می‌کنند دمای خانه به جای تغییرهای ناگهانی به صورت تدریجی تنظیم شود چون هر تغییر شدید معمولاً به مصرف بیشتر منجر می‌شود.

## روشنایی فقط به تعداد چراغ‌ها مربوط نیست

نور طبیعی هنوز یکی از ساده‌ترین منابع صرفه‌جویی است. باز کردن پرده‌ها در طول روز یا استفاده از نور فضاهای مشترک می‌تواند وابستگی به روشنایی مصنوعی را کمتر کند در کنار آن انتخاب زمان روشن بودن چراغ‌ها هم اهمیت دارد. گاهی عادت داریم چند اتاق را همزمان روشن نگه داریم حتی زمانی که در آن فضا حضور نداریم. استفاده از لامپ‌های کم‌مصرف و خاموش کردن روشنایی غیرضروری شاید توصیه‌ای قدیمی به نظر برسد اما همچنان از مؤثرترین روش‌ها برای کاهش مصرف محسوب می‌شود.

## خانه هوشمند الزاماً خانه گران نیست

وقتی از مدیریت انرژی صحبت می‌شود ذهن بسیاری از افراد به سمت تجهیزات پیچیده و فناوری‌های پرهزینه می‌رود اما واقعیت ساده‌تر است. خانه هوشمند در بسیاری از مواقع همان خانه‌ای است که ساکنانش الگوهای مصرف خود را می‌شناسند. توجه به زمان استفاده از وسایل برقی بررسی دوره‌ای عادت‌های روزانه و انتخاب‌های کوچک اما مداوم می‌تواند اثر بیشتری از تغییرات بزرگ و کوتاه‌مدت داشته باشد. در نهایت صرفه‌جویی انرژی بیشتر از آنکه پروژه‌ای فنی باشد نوعی بازنگری در سبک زندگی است، تغییری که قرار نیست آسایش را حذف کند بلکه قرار است از اتلاف بی‌دلیل جلوگیری کند و خانه را آرام‌تر و اقتصادی‌تر نگه دارد.



امکان خشک شدن طبیعی لباس وجود دارد استفاده کمتر از خشک‌کن می‌تواند مصرف را کاهش دهد بدون اینکه تغییری در کیفیت زندگی ایجاد شود.

## آب گرم یکی از پرمصرف‌ترین بخش‌های خانه

بسیاری از افراد هنگام فکر کردن به مصرف انرژی سراغ وسایل برقی می‌روند اما فراموش می‌کنند که گرم کردن آب یکی از بزرگ‌ترین سهم‌ها را در مصرف خانگی دارد. حمام‌های طولانی و استفاده بیش از اندازه از آب گرم تنها هزینه هم را افزایش نمی‌دهد بلکه انرژی قابل توجهی هم برای گرم کردن آن مصرف می‌شود. کوتاه‌تر شدن زمان استحمام یا مدیریت مصرف آب گرم در طول روز می‌تواند تفاوت قابل توجهی ایجاد کند. تنظیم مناسب دمای آب اهمیت بالایی دارد. تصور رایج این است که هرچه آب گرم‌تر باشد آسایش بیشتر است اما در عمل دمای متعادل در کنار ایجاد احساس راحتی مصرف را نیز کنترل می‌کند.

**گرمایش و سرمایش همیشه مقصر اصلی نیستند**  
در بسیاری از خانه‌ها مسئله اصلی مقدار گرمایش یا سرمایش نیست بلکه خروج انرژی از محیط

اند هرکدام به‌تنهایی ناچیز به نظر می‌رسند اما در مقیاس یک سال رقم متفاوتی می‌سازند.

## آشپزخانه جایی که انرژی بی‌صدا مصرف می‌شود

بخش مهمی از مصرف روزانه خانه در آشپزخانه اتفاق می‌افتد جایی که بیشتر رفتارها تبدیل به عادت شده‌اند و کمتر به آن‌ها فکر می‌کنیم. یکی از ساده‌ترین نمونه‌ها استفاده از کتری است. بسیاری از افراد بیشتر از نیاز آب داخل کتری می‌ریزند و هر بار انرژی صرف گرم کردن آبی می‌شود که مصرف نخواهد شد. همین الگو در زمان پخت و پز هم دیده می‌شود، قابلمه بدون درپوش زمان بیشتری برای گرم شدن نیاز دارد و اجاق مدت طولانی‌تری روشن می‌ماند. ماشین لباسشویی و ظرفشویی نیز از مهم‌ترین مصرف‌کننده‌های خانگی هستند. روشن کردن این دستگاه‌ها با ظرفیت ناقص یعنی استفاده چندباره از آب و برق برای کاری که می‌توانست در یک مرحله انجام شود. در بسیاری از موارد شست‌وشو با دمای پایین‌تر هم نتیجه قابل قبولی دارد و فشار کمتری به مصرف انرژی وارد می‌کند. خشک‌کن لباس نیز از آن وسایلی است که استفاده آگاهانه از آن اهمیت دارد. در روزهایی که

صرفه‌جویی در مصرف انرژی همیشه از خاموش کردن چراغ‌ها و محدود کردن استفاده از وسایل شروع نمی‌شود. گاهی تغییر چند عادت ساده روزانه از آشپزخانه تا اتاق خواب می‌تواند بدون کاهش کیفیت زندگی هزینه‌ها را کمتر و خانه را کارآمدتر کند. کارشناسان می‌گویند بخش مهمی از انرژی در خانه‌ها نه به دلیل کمبود تجهیزات بلکه به دلیل الگوهای مصرف از بین می‌رود. به گزارش ایرنا زندگی، روزهایی که هزینه انرژی به یکی از دغدغه‌های خانواده‌ها تبدیل شده است بسیاری تصور می‌کنند برای کاهش مصرف باید سراغ تغییرات پرهزینه یا خرید تجهیزات جدید رفت. اما مرور مجموعه‌ای از توصیه‌ها و راهکارهای منتشرشده در گزارش‌های آموزشی وبسایت‌های حوزه بهره‌وری انرژی از جمله Energy Saving Trust و سایت energyvic.gov نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از مصرف خانگی به رفتارهای روزمره مربوط است. رفتارهایی از روشن ماندن وسایل در حالت آماده‌به‌کار گرفته تا استفاده نادرست از گرمایش و سرمایش خانه یا شیوه استفاده از لوازم آشپزخانه که آن‌قدر عادی شده‌اند که معمولاً دیده نمی‌شوند. نکته جالب اینجاست که بسیاری از این تغییرها هزینه‌ای ندارند و نیازمند بازسازی خانه نیستند اما در بلندمدت می‌توانند اثر قابل توجهی بر مصرف انرژی و حتی کیفیت زندگی داشته باشند.

## صرفه‌جویی از خاموش کردن شروع نمی‌شود از توجه شروع می‌شود

وقتی صحبت از کاهش مصرف انرژی می‌شود اولین تصویر معمولاً چراغ‌های خاموش و محدودیت است اما کارشناسان حوزه انرژی نگاه متفاوتی دارند. آن‌ها می‌گویند مسئله اصلی حذف مصرف نیست بلکه حذف اتلاف است. خانه‌ای که انرژی را هوشمندانه مصرف می‌کند الزاماً خانه‌ای تاریک‌تر یا سردتر نیست. بخش زیادی از انرژی در زمان‌هایی مصرف می‌شود که عملاً استفاده‌ای از آن وجود ندارد. برخی از آنها عبارتند از: وسایلی که خاموش به نظر می‌رسند اما در حالت آماده به کار باقی مانده‌اند، تلویزیون خاموش اما متصل به برق، شارژر ساعت‌ها در پرز باقی مانده، مودم یا دستگاه‌های جانبی که بدون نیاز روشن مانده

## روایت یک روز از آینده اینچه برون

ظرفیت انبارهای این مرکز نیز از ۴۰۰ هزار تن به یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن افزایش یافته است

پراکندگی فعالیت‌ها و نبود نظم کافی رویه‌رو بود، اما اکنون با اجرای طرح ساماندهی، چهره‌ای تازه به خود گرفته است. ملک حسینی گفت: تا یک سال قبل ۱۵ آلاچیق پراکنده در این محل فعالیت می‌کرد اما اکنون با ساماندهی کامل، ۲۸ واحد تجاری مستقر شده‌اند که برای ۶۰ نفر اشتغال مستقیم ایجاد کرده‌اند. وی افزود: تاکنون ۱۲ میلیارد تومان برای ساماندهی این مجموعه هزینه شده است. مدیرعامل منطقه آزاد اینچه برون همچنین از احداث تیرپارک ویژه استقرار و استراحت رانندگان خارجی در زمینی به مساحت هزار و ۳۰۰ متر مربع و با اعتبار ۵۰ میلیارد تومان خبر داد که طی سه ماه ساخته و به بهره‌برداری رسیده است. ماری گل؛ پروژه‌ای برای توسعه گردشگری و کسب‌وکار در بخش دیگری از بازدید، خبرنگاران از مجتمع اقامتی، تجاری و تفریحی «ماری گل» دیدن کردند. این پروژه قرار است علاوه بر پاسخ به نیازهای اقامتی و خدماتی، به رونق گردشگری و شکل‌گیری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در منطقه کمک کند. این پروژه که از نگاه مسئولان منطقه، بخشی از برنامه بزرگ‌تر برای متنوع‌سازی اقتصاد اینچه برون به شمار می‌رود، با سرمایه‌گذاری هزار و ۲۰۰ میلیارد تومانی در زمینی به وسعت ۱۰۲ هکتار و زیربنای ۵۰ هزار متر مربع در حال اجراست و پیش‌بینی می‌شود طی ۱۸ ماه آینده به بهره‌برداری برسد. به گفته مدیرعامل منطقه آزاد اینچه برون، این مجموعه با هدف ایجاد فضای مناسب برای کسب‌وکارهای خرد، توسعه گردشگری، ایجاد اشتغال و ارتقای سیمای منطقه طراحی شده است.

### واردات خودرو؛ شکل‌گیری نسل جدیدی از بازرگانان گلستان

آخرین مقصد بازدید، مرکز پلاک‌گذاری خودروهای وارداتی منطقه آزاد اینچه برون بود که در ماه‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده و به یکی از نمادهای فعالیت تجاری جدید در منطقه تبدیل شده است. این حوزه علاوه بر ایجاد درآمد، زمینه ورود فعالان تازه‌نفس به عرصه تجارت را نیز فراهم کرده است. ملک حسینی با اشاره به اینکه اینچه برون نخستین منطقه آزاد کشور است که مجوز واردات خودرو را دریافت کرده، گفت: تاکنون ۵۷۰ دستگاه خودرو پلاک‌گذاری شده و حدود ۶۰۰ دستگاه دیگر نیز در انتظار ترخیص و پلاک‌گذاری قرار دارند. وی افزود: هم‌اکنون ۵۰ شرکت دارای مجوز واردات خودرو در منطقه فعال هستند که بخش عمده آنها توسط جوانان اداره می‌شود. مدیرعامل منطقه آزاد اینچه برون با تأکید بر اینکه خودرو تنها یکی از کالاهای تجاری منطقه است، اظهار کرد: توسعه واردات خودرو علاوه بر ایجاد درآمد، زمینه تربیت نسل جدیدی از تجار حرفه‌ای استان گلستان را فراهم خواهد کرد. وی درباره قیمت خودروها نیز گفت: آغاز واردات هم‌زمان با شرایط جنگی منطقه و دشواری‌های حمل‌ونقل بین‌المللی، هزینه‌ها را افزایش داد، اما با افزایش حجم واردات، تسهیل روند ترخیص و تثبیت مسیرهای حمل، انتظار می‌رود قیمت‌ها به تدریج متعادل‌تر شود و بازار به سمت ثبات بیشتری حرکت کند.

موقعیت ریلی اینچه برون و اتصال آن به مسیرهای بین‌المللی، ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به قطب لجستیکی منطقه دارد. این پروژه هشت هکتاری با



سرمایه‌گذاری ۱۲ میلیون یورویی پس از هشت سال اکنون به پیشرفت ۸۵ درصدی رسیده و تا سه ماه آینده به بهره‌برداری کامل خواهد رسید. مدیرعامل منطقه آزاد اینچه برون گفت: هم‌زمان با ساخت این مرکز، عملیات تخلیه و جابه‌جایی کانتینر نیز آغاز شده و منتظر پایان پروژه نماندیم. وی افزود: هر هفته چند رام قطار باری از چین وارد اینچه برون می‌شود و با استقرار تجهیزات جدید، زمان تخلیه کانتینرها از چند ساعت به حدود چهار دقیقه کاهش یافته است. به گفته وی، ظرفیت انبارهای این مرکز نیز از ۴۰۰ هزار تن به یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن افزایش یافته است.

**ساماندهی بازارچه مرزی و ایجاد تیر پارک**  
بازدید بعدی خبرنگاران از بازارچه مرزی منطقه آزاد بود که مستقیم با معیشت مرزنشینان، تجارت خرد و خدمات پشتیبانی رانندگان و بازرگانان در ارتباط است. این محدوده در سال‌های گذشته با

جمله اقداماتی است که به گفته مسئولان، برای شکل‌گیری یک منطقه آزاد منظم و قابل اتکا ضروری بوده است. مدیرعامل منطقه آزاد اینچه برون

منطقه آزاد اینچه برون این روزها در یکی از مهم‌ترین مقاطع توسعه‌ای خود قرار دارد که در آن، هم‌زمان چند پروژه بزرگ زیرساختی، لجستیکی، تجاری و سرمایه‌گذاری در حال پیشرفت است. جمعی از خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای گلستان در بازدیدی میدانی از این منطقه، از نزدیک در جریان آخرین وضعیت طرح‌های عمرانی، مرزی و اقتصادی قرار گرفتند و مدیرعامل منطقه آزاد اینچه برون نیز در هر بخش، درباره جزئیات اجرا، میزان پیشرفت و برنامه‌های آینده توضیح داد. به گزارش ایرنا، در نخستین بخش این بازدید، تمرکز اصلی بر زیرساخت‌هایی بود که به گفته مسئولان، پایه و شرط اصلی هر نوع سرمایه‌گذاری صنعتی به شمار می‌رود. منطقه آزاد اینچه برون قرار است میزبان صنایع بزرگ، واحدهای تولیدی و فعالیت‌های لجستیکی باشد و برای رسیدن به این هدف پیش از هر چیز به آب پایدار، برق و گازسانی نیاز دارد که مدیرعامل منطقه آزاد اینچه برون این موضوعات را محور اصلی برنامه‌های اجرایی خود دانست. حسن ملک حسینی در توضیح این بخش تأکید کرد: بدون تأمین آب، برق و گاز، توسعه صنعتی منطقه آزاد اینچه برون امکان‌پذیر نیست و به همین دلیل، اجرای پروژه‌های زیربنایی در اولویت نخست قرار گرفته است. وی گفت: در بخش آب، حفر سه حلقه چاه و اجرای خط انتقال ۱۱ کیلومتری به زون نخست صنعتی در روزهای آینده تکمیل می‌شود تا نیاز اولیه صنایع تأمین گردد. به گفته وی، نخستین زون صنعتی منطقه آزاد با وسعت ۴۰۰ هکتار تا سه ماه آینده آماده واگذاری به سرمایه‌گذاران خواهد شد اما استقرار صنایع منوط به تکمیل زیرساخت‌هاست. مدیرعامل منطقه آزاد اینچه برون با اشاره به اینکه اینچه برون سال‌ها منطقه ویژه اقتصادی بود اما از نعمت آب محروم ماند، افزود: اگر زیرساخت‌ها زودتر فراهم شده بود، امروز منطقه جایگاه متفاوتی داشت به همین دلیل منتظر تأمین امکانات از سوی دیگران نماندیم و خودمان اجرای پروژه‌ها را آغاز کردیم. وی همچنین از اجرای طرح انتقال برق از نیروگاه علی‌آباد با خطی به طول ۵۲ کیلومتر و اعتبار حدود ۷۵۰ میلیارد تومان خبر داد و گفت: در مرحله نخست، تأمین ۳۰ مگاوات برق هدف‌گذاری شده و در صورت رفع موانع، این پروژه طی هشت ماه اجرا می‌شود. ملک حسینی اجرای طرح انتقال ۲۰ میلیون مترمکعب پساب گرگان با خط انتقال ۴۲ کیلومتری و سرمایه‌گذاری هزار و ۲۰۰ میلیارد تومانی را نیز از دیگر پروژه‌های راهبردی منطقه عنوان کرد و گفت: این طرح نیاز صنایع سنگین، پتروشیمی و کمربند سبز منطقه را تأمین خواهد کرد. وی افزود: گازسانی، توسعه فیبر نوری و تعریض جاده‌های آق‌قلا- اینچه برون و گنبدکاووس- اینچه برون نیز هم‌زمان در حال اجراست.

گفت: این پروژه شامل ۳۰ کیلومتر فنس‌کشی است که ۲۳ کیلومتر آن به صورت فنس و هفت کیلومتر به شکل دیوار اجرا می‌شود. وی با اشاره به آغاز عملیات اجرایی این طرح از سال گذشته افزود: پروژه اکنون حدود ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و تا سه ماه آینده تکمیل خواهد شد. ملک حسینی همچنین از صدور سند مالکیت برای ۱۲ هزار و ۵۰۰ هکتار از اراضی منطقه آزاد خبر داد و این اقدام را گامی مهم برای تسهیل سرمایه‌گذاری دانست.

**مرکز هوشمند تخلیه و بارگیری؛ کاهش زمان تخلیه از چند ساعت به چهار دقیقه**  
یکی از مهم‌ترین بخش‌های این بازدید، حضور خبرنگاران در مرکز تخلیه و بارگیری کانتینری منطقه آزاد اینچه برون بود که قرار است به یکی از گره‌گشاترین حلقه‌های زنجیره ترانزیت در شمال شرق کشور تبدیل شود. این مجموعه با توجه به

**فنس‌کشی و تثبیت مرزهای منطقه آزاد**  
در ادامه بازدید، خبرنگاران از پروژه مرحله نخست فنس‌کشی منطقه آزاد دیدن کردند که علاوه بر ساماندهی محدوده قانونی منطقه، نقش مهمی در تثبیت مرزها، کنترل تردد و ایجاد بستر امن برای فعالیت‌های اقتصادی دارد. این پروژه از